

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

فرح نوتاش
۲۰ می ۲۰۱۶

نقدی بر کتاب سیمای شکنجه اثر بهروز سورن

در چهارراه مصائب
گم کرده راهی بس نگران
پرسید از فرزانه ای به راه
کدامین است راه نجات ای دوست
...
رو به معبر تاریخ کرد فرزانه
و فریاد درد بر آورد
که چگونه آمده ای این همه راه را
بی چراغ تاریخ ...
و چگونه ای تو ... جویای راه آینده

مردمی که تاریخ خود را ندانند و یا به فراموشی بسپارند به ناچار در دایره ای بسته، تن به تکرار تاریخ خواهند داد. هر آنچه که حافظه ملل را صیقل دهد و از فرو غلتیدن مردم به منجلا ب تخیل عادت و فراموشی نجاتشان دهد عین ارزش است. و هر آنچه که فراموشی، مسخ و رخوت را عمق بخشد ضد ارزش محسوب می شود. و این در صورتی است که مهمترین هدف انسان را از زیستن، تغییر جهان و تکامل جوامع بشری به سوی هر چه انسانی تر شدن بدانیم. کتاب سیمای شکنجه اثر بهروز سورن، با چاپ اول در قطعی یک هشتم با حروف شماره ۱۱ در ۹۹ صفحه و طرحی بسیار گویا، نقشی از صورت های زندانیان بر صفحه تیره جلد مقوایی، در ۱۳۸۲ توسط نشر بیدار چاپ و منتشر شده است. نقدی که هم اکنون مشاهده می کنید به مناسبت انتشار مجدد آن در سایت های بسیار و به ویژه در سایت گزارشگران و [پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"] به صورت پاورقی است، که بعداً نیز عرضه کننده کل کتاب خواهند بود، نوشته می شود.

بهر روز سوزن، زندانی دهه خونین شصت از ۱۳۰۰، شاهد عینی و گزارشگر صادق بخشی هائی از وقایع چند زندان ایران در آن برهه است. او با روحیه بالای انسانی با زبانی سلیس و شیرین، خواننده را از دالان های تنگ، سلول های تاریک، بس کوچک و بی پنجره، به مرز نهائی سی و هشت سال حاکمیت جهل و جنایت می رساند. مرزی که بین دگراندیشانی که زندانی، شکنجه و کشته می شوند و آنانی که شکنجه می کنند و می کشند یا آنانی که در زیر شکنجه ها تغییر جهت داده و از این سوی مرز به آن سوی مرز که به شکنجه گران می پیوندند، جدا گر دیگری نیست.

دیوارهای تعصب سازمانی و حزبی فرو ریخته اند و بندیان جان در جان هم، نگران پایان شکنجه و یا اعدام یک دیگر اند. هیاهویی پنهان، زیر پوست سکوت حاکم بر زندان جاری است. بندیان با عبور از فاصله های فکری و ایدئولوژیک، نگران تن و جان یکدیگر و نشکستن هر فرد زندانی می شوند. چنان که گاه خود زندانی نیز در این نگرانی، اقدام به پایان بخشیدن به زندگی خود با هر وسیله دم دست می کند.

اعتبار هر زندانی بالا جبار در حرمت راز داری حزب و سازمان و گروه خویش است، که اگر نه، منجر به پذیرش آنسوی مرز و پیوستن به خیل شکنجه گران می شود.

زهر تلخ بلا تکلیفی، از هیچ زندانی دریغ نشده و گاهی سال ها به طول انجامیده است و بوده اند زندانیانی که تنها با اعدام شان بلا تکلیفی آنان خاتمه یافته است. نویسنده در تشریح وضع خود در این شرایط، احساس خواننده را با این رنج آشنا می کند و براستی عمق زخم و درد را صادقانه به او می نمایاند.

از نظر او: چشم بند یعنی اوج کینه و دشمنی رژیم با پدیده دگر اندیشی و خصومت با حقوق بشر.

در مضرات چشم بند، او آن چنان موشکافانه و علمی وارد تحلیل می شود که مبین رنج بی پایان او از تجربه آن است. چنان که خواننده با دنیای تاریک نابینائی تحمیلی از سوی شکنجه گران، به عنوان شکنجه زندانیان زندان های ایران آشنا می شود.

و همین چشم بند را در زندان بزرگتر اجتماع بیرون از زندان، با ایجاد خفقان اجتماعی و سانسور اعمال می کنند.

در بخش دیگری از گزارش او می آید: شنیدن صدای شلیک ها نیز از شکنجه هائی بود که بر زندانیان سیاسی می رفت و پایانی نداشت.

که امروز بعد از ۳۸ سال هنوز شنیده می شود و پایانی ندارد. یعنی رژیمی که کشتن دگر اندیش جزو ذات آن است با ارباب و تهدید، مهر و اخراج، رأی از ملتی می گیرد تا اموال آن را غارت کند و فرزندانش را بکشد.

آیا این فراموش شدنی است؟

معاصرین رویدادهای این کتاب، با خواندن هر خط آن تجربیات فردی پیرامون خود را مرور می کنند، نه هرگز زمان قادر است گرد فراموشی بر زخم هایشان بپاشد و نه هرگز خشم شان از این همه سببیت حاکمان ارتجاع فرو می نشیند.

مصائب فردای آزادی از جهنم زندان نیز از قلم گزارشگر این رنجامه جاری شده است.

ورود به عرصه جامعه ای با تمامی درهای بسته. بودن در دزدانک در نبودن. رویارویی با اخراج و با نامی خط خورده از تمامی دفاتر کار و امرار معاش. محو شدن سابقه تمامی سال های کار و باز نشستگی. آغاز زندگی با دستائی تهی در مقابل تمامی درهای بسته و در برهوت هیچ.

که آزادی از زندان نه پایانی بود بر شکنجه او، و نه براستی رهائی، بلکه فقط تغییری بود در نوع شکنجه. این است سرنوشت متفکرین و پیشگامان ایران در تغییر و تکامل جامعه ایران.

قتل عام در کلیه زندان های ایران در سال ۱۳۶۷ ، به فرمان خمینی ، با بیش از ده هزار اعدامی از تمامی احزاب و سازمان ها در ایران ، فقط برای فرو نشاندن خشم خمینی از قبول قطعنامه ۵۹۸ صلح سازمان ملل ، برای پایان جنگ ۸ ساله و صدور شیعه، بخش پایانی این گزارش سراسر رنج رفته بر فرزندان ایران است .

برای شناخت لبه تیغ رژیم ملایان، خواندن این کتاب یک نیاز می شود. این کتاب آژیر ممتد خطر و آئینه شفاف بخشی از وقایع معاصر ایران است. از دست دادن حساسیت های انسانی نسبت به رنج دگران، ترویج بی تفاوتی در قبول کل و یا بخشی از آنچه که جاری است، هرگز شایسته نام انسانی نیست. آن چنان که چشم امید برای نجات به یاری دولت های خارجی، یک فریب آشکار و تکرار تاریخ است.

داغ فراموشی محال است. باز کردن دروازه های ایران به سوی نیروهای خارجی در ۱۴۰۰ سال پیش، برای رهایی از ستم نظام کاست در ایران، فقط سلطه ۲۰۰ ساله ظالمانه اعراب بر ایران نبود. و تنها از دست دادن زبان و خط و تمامی فرهنگ دستنویس مکتوب ایران در کتابخانه ها که میراث فرهنگ انسان شمرده می شد و می شود، نبود.

کتاب سیمای شکنجه، گواه و بیانگر بخشی از ظلم و ستم جاری بر مردم ایران است .

ستمی که بس گسترده تر و ممتد، از ۱۴۰۰ سال پیش تا به امروز خانگی شده و پیوسته تاریخ این ملت را خونین کرده است.

وین ۱۶ ماه می ۲۰۱۶

جبهه جهانی ضد امپریالیست قدرت زنان

Women's Power www.farah-notash.com

Womens-power.farah-notash.com

GOZARESHGAR.COM